

جلوه های ادبیات مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با رویکرد به گفتمان رضوی

دکتر ابراهیم فلاح^۱

چکیده

ادبیات مقاومت و پایداری یکی از انواع ادبی است که مفاهیم ارزشمند و باورمندی را در خود جای داده است. از مهم ترین شاخصه های این شاخه از ادبیات، دعوت کننده به قیام، ایستادگی و ایثار، صبر در برابر مشکلات و جوشش و خروش در برابر ظلم و ستم می باشد. ائمه معصومین (ع)، به عنوان طلایه داران آزادی، تأثیری عمیق بر ادبیات پایداری و مقاومت گذاشته اند که نمونه آن را در شعر شاعران شیعی می توان مشاهده نمود. امام رضا (ع) الگو و اسوه ای ممتاز در مبارزه علیه ظلم و جور حاکمان بوده است. این پژوهش در صدد است که با روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه ها و جلوه های ادبیات پایداری را متأثر از گفتمان امام رضا (ع) در شعر شاعران شیعی مورد بررسی و تحلیل و تبیین قرار دهد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بن مایه های ادبیات مقاومت و پایداری، از جمله هجرت، شهادت طلبی، دعوت به جهاد و پایداری، انتظار منجی، مرگ و جانبازی، رنج تبعید و غربت برگرفته از فرهنگ رضوی است که در آثار ادبی و شعر شاعران شیعی نمود و ظهور یافته است.

واژگان کلیدی: گفتمان، ادبیات پایداری، فرهنگ رضوی، شعر شیعی، امام رضا (ع).

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری ایران fallahabrahim@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

مقدمه

مفهوم پایداری و مقاومت ناظر بر ایمان، اعتقاد و ارزش‌ها و بخشی از حیات مادی و معنوی است که از ایمان راسخ و اعتقاد سرچشمه می‌گیرد. ادبیات مقاومت و پایداری یکی از شاخه‌های مهم ادبیات متعهد است، چرا که برخوردار از اصل تعهد یعنی مشارکت آگاهانه ادیب در جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و موضع‌گیری در قبال آن است. (شیخ، ۱۹۹۴: ۱۳) صرف نظر از ویژگی‌های کلی این نوع ادبیات، وجه متمایز آن از سایر مقوله‌های ادبی در پیام و مضمون آن نهفته است. به این معنا که آثاری از این دست اغلب آیینۀ دردها و مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظام‌های استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن به پیروزی موعود، دعوت به مبارزه، ایستادگی در برابر ظلم و ستم و ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان‌باختگان وطن در بطن خود دارند. (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶)

در این میان سخنان و گفتارهای پیشوایان معصوم (ع) از جمله امام رضا (ع) مرکز ثقلی برای ادبیات مقاومت و پایداری به شمار می‌آیند؛ زیرا از اهداف مهم آن امام همام ریشه کن ساختن ظلم و جور بوده است. «این نوع ادبیات، ادبیات عشق و ایثار است، ادبیات توفنده و پرتلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود. در واقع، این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیا، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد تهاجم یا تحت سلطه را فراهم آورده است.» (کنفانی، ۱۳۶۱: ۱۷) و بسیاری از شاعران شیعی از این ادبیات تأثیر پذیرفته و در اشعارشان از گفتمان رضوی بهره‌جسته‌اند.

۱- بیان مسأله

ادبیات پایداری یکی از شاخه‌های مهم ادبیات متعهد است که به واسطه رویکرد فکری و اعتقادی اش، مفاهیمی بزرگ و باورمند را در خود پرورانده و در عصر نوین به صورت یک گونه ادبی جهان‌شمول بروز و ظهور نموده است، ریشه در منابع دینی اصیل دارد و با الهام گرفتن از قرآن و سخنان معصومین (ع) در طول تاریخ به عنوان یک جریان اثرگذار ایفای نقش نموده است. جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری با وجود اهمیت والا و اساسی آن در تحقیقاتی که تاکنون درباره سخنان و کردار و رفتار - سنت - معصومین (ع) و تأثیر آن در شعر شاعران شیعی صورت گرفته، مغفول مانده است؛

لذا پرداختن به مهم ترین بن مایه های ادب مقاومت و پایداری در گفتمان رضوی و تأثیر آن بر شاعران شیعی مسأله ای است که پژوهش حاضر در پی کشف آن است.

۱-۱: پرسش های پژوهش

پژوهش پیش رو در جستجوی پاسخ به این پرسش ها است:

۱- آیا در اشعار شاعران شیعی بن مایه های ادبیات پایداری متأثر از گفتمان رضوی وجود دارد؟

۲- جلوه های مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با توجه به گفتمان رضوی چیست؟

۲-۱: فرضیه های پژوهش

پرسش های ذکر شده فرضیه هایی را به وجود آورده است که به این شرح می باشد:

۱- به نظر می رسد که در اشعار شیعی بن مایه های ادبیات پایداری متأثر از گفتمان رضوی وجود

دارد؛

۲- احتمال می رود جلوه های مقاومت و پایداری در گفتمان رضوی؛ از جمله هجرت، شهادت

طلبی، دعوت به جهاد و مقاومت و پایداری، انتظار منجی، مرگ و جانبازی، رنج تبعید و غربت، مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعی نمود و بروز داشته است.

۳-۱: پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی جلوه های ادبیات پایداری در اشعار شاعران، مقالات و پایان نامه هایی نگاشته

شده است که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- مقاله سهم ادبیات پایداری در کتاب های درسی (حسام پور، حاجبی: ۱۳۸۷). در این مقاله به

اهمیت ادبیات پایداری و نقش و جایگاه آن پرداخته شده است؛

۲- جلوه های مقاومت در آثار محمد الماغوط (قادری، ۱۳۸۹) نگارنده در اثر مذکور به

جلوه های مقاومت در آثار ماغوط پرداخته و نقش اشعار و کلمات وی را در بیدارسازی ملت نشان

داده است؛

۳- پایان نامه بررسی جلوه های ادبیات پایداری در شعر محمود صالح هواری (باوان پوری،

۱۳۹۱). نگارنده در این پایان نامه به جلوه ها و نمود ادبیات پایداری در شعر هواری پرداخته و

مهم ترین جلوه های ادبیات را در اشعار وی نشان داده است؛

۴- پایان‌نامه بازتاب مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی سماوی (جباری گیلانده، ۱۳۹۰).
 با بررسی های انجام شده، تا کنون پژوهش مستقلی درباره « جلوه های ادبیات مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با رویکرد به گفتمان رضوی» نگاشته نشده است. در این تحقیق، به بیان جلوه های پایداری و مقاومت در شعر شاعران شیعی در پرتو گفتمان رضوی با ذکر نمونه ها خواهیم پرداخت. بنابراین مقاله حاضر از این جهت دارای رویکردی جدید است.

۱-۴: ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به جایگاه ادبیات پایداری و مقاومت در بیدارگری مردمی و نقش تعیین کننده این گونه ادبی در شکل گیری افکار و اندیشه های مردم در ظلم ستیزی و رشد و بالندگی جوامع انسانی، ضروری می نمود که پژوهشی مستقل در ارتباط با این نوع ادبی با توجه به گفتمان رضوی انجام پذیرد تا بیان شود عوامل بنیادی که سبب شده ادب مقاومت تا امروز اصالت و ماندگاری داشته باشد، برآیند تلاش ها و مجاهدت های حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بوده است.

۱-۵: روش پژوهش

اجرای این پژوهش، با مطالعه منابع کتابخانه ای و اسناد دست اول انجام شده که اغلب با رویکرد تحقیق ادبی و تاریخی جمع آوری گردیده، و با بازخوانی، بررسی اسناد و پژوهش های موجود، داده های کیفی به صورت توصیفی و تحلیلی طبقه بندی و ارایه گشته اند.

۲- جلوه های مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعی با رویکرد به گفتمان رضوی

۲-۱: هجرت

یکی از رویدادهای مهم در تاریخ ایران و هم چنین یکی از فراز های حساس تاریخ تشیع، هجرت امام رضا (ع) به ایران و استقرار ایشان در خراسان و مرکز خلافت آن دوران، یعنی مرو می باشد. البته باید در این جا اشاره شود که هجرت امام رضا (ع) که در واقع یک مهاجرت سیاسی اجباری بود و در اواخر سال ۲۰۰ هـ.ق. به اصرار و دستور مأمون، خلیفه وقت بنی عباس انجام یافت و این سفر حدود چهار ماه طول کشید و امام (ع) در نیمه اول سال ۲۰۱ هـ.ق. به مرو رسیدند. و بعد از ۳ سال به دست مأمون عباسی به شهادت رسیدند. اما این هجرت منشأ و خاستگاه بروز آثار و پیامدهایی مهم و درخشان در زمینه های قوام اسلام و مکتب اهل البیت (ع)، گسترش فرهنگ تشیع

در ایران و افشای چهره سیاسی مأمون گشت، به گونه ای که می توان به جرأت گفت: ما ایرانیان حیات معنوی و فکری خود را وامدار این هجرت و پیامدهای آن هستیم. (صالحی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۵) به هنگام هجرت از مدینه به مرو، حضرت در هر کجا زمینه را مساعد می یافتند از فرصت استفاده می کردند و پیام امامت خود را به گوش مردم می رساندند. به عنوان نمونه در اجتماع عظیم مردم نیشابور در یک عبارت کوتاه، مفاهیم بسیاری را به شنوندگان - دانشمندان، نویسندگان، اهل حدیث و مردم عادی - منتقل کردند. در حدیث قدسی معروف و پرآوازه نقل کردند: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»، آن گاه پس از مکتبی کوتاه ادامه دادند: «بَشِّرْهَا وَ شُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.» (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۴۶۳/۲، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۳/۴۹)

«كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَرْجٌ مُحْكَمٌ مِنْ أَسْفَلِ السَّمَاءِ مَنْ كَسَبَهَا كَسَبَتْهُ حَسَنَاتٌ وَمَنْ كَسَبَهَا كَسَبَتْهُ سَيِّئَاتٌ»
 «کلمه لا اله الا الله درج محکم من است که هر کس آن را بگوید وارد درج من شود و هر کس وارد درج من شود از عذاب من در امان است. اما این شرطهایی دارد و من از شرطهای آن هستم.»
 تمام جهت گیری ها و تلاش های امام (ع) این بود که توطئه های مأمون و درباریان او را نقش بر آب سازد.

«نحوه خروج امام (ع) از مدینه به مرو، خداحافظی ایشان با قبر پیامبر (ص) و خانواده اش در مدینه، آغاز مبارزه با دستگاه خلافت طاغوتی مأمون بود. برخورد امام (ع) با این دستگاه در زمان اقامتشان در مرو حکایت از تحریم حاکمیت عباسی از سوی ایشان داشت. چنان که دخالت نکردن حضرت در امور سیاسی و حکومتی - با آن که ولیعهد بود - بزرگ ترین فریاد اعتراض در برابر حکومت نامشروع مأمون به شمار می رفت. این نوع مبارزه سیاسی با حاکمیت طاغوت در زندگی ائمه دیگر (ع) دیده نمی شود.» (امینی، ۱۳۸۳: ۸۴)

و دعبل خراعی - شاعر پرآوازه شیعی - در این باره سروده است:

مُشَرَّدُونَ نَفَسًا عَنْ عَقْرِ دَارِهِمْ كَأَنَّهُمْ قَدْ جَنَوْا مَا لَيْسَ يُغْتَفَرُ

(ابن بابویه، همان: ۶۲۸/۲)

«(آل احمد) همگی از خانه هایشان آواره و دربه در شدند، گویی به جرمی دست زده اند که هرگز بخشوده نیاید.»

دعبل در این بیت تصریح می نماید که ائمه (ع) پیوسته در حال هجرت و مجاهدت بودند و دلیل هجرتشان این که پرچمدار مبارزه در برابر حکومت های نامشروع و طاغوت به شمار می رفتند. شاعر

با استفاده از تشبیه این حقیقت را به مخاطب یادآوری می نماید که آل احمد (ع) دست به جرمی زده‌اند که این چنین تبعید و آواره شده‌اند.

و نیز با تأثیر از سخنان امام رضا (ع) این گونه سروده است:

أَلَا أَيُّهَا الْقَبْرُ الْغَرِيبُ مَحْلُهُ بَطُوسَ عَلَيْكَ السَّارِيَاتُ هَتُونُ
شَكَكْتُ فَمَا أَدْرِي أَمْ سَقَى شَرْبَةً فَأَبْكِيكَ أَمْ رَبَّ الرَّدَى فَيَهُونُ
وَ أَيُّهَمَا قُلْتُ إِنْ قُلْتُ شَرْبَةً وَإِنْ قُلْتُ مَمُوتَ إِنَّهُ لَقَمِينُ

(ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۷۷/۴)

«ای قبری که جایگاهش در طوس غریب است، اشک‌های غم پیوسته بر تو ریزان است؟ در شبهه ام که آیا تو را زهر خوراندند تا بر تو گریه کنم یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته ای تا داغ تو بر من آسان تر گردد. و هر کدام را بگویی چه بگویی به زهر و چه بگویی به مرگ طبیعی هر دو سزاوار گریستن است.»

شاعر در این ابیات حزن و اندوه خود را بیان می کند و به هجرت و غربت امام (ع) اشاره می نماید، و اشک غم می ریزد. دعبل در این ابیات از اسلوب تنبیه (ألا) که باعث توجه و تمرکز مخاطب نسبت به سخن شاعر می شود، نیز بهره مند گشته است. در اسلوب تنبیه نوعی ایجاز و اختصار وجود دارد که به زیبایی و جذابیت کلام کمکی شایان می نماید.

۲-۲: شهادت طلبی

«واژه شهادت به معنی حضور، علم به امور ظاهری، شهادت دادن، خبر قاطع دادن، مشاهده نمودن است. شهید که جمع آن شهدا می باشد بر وزن فعلیل به معنی فاعل است و گاه در تأویل به معنای مفعول نیز به کار می رود.» (ابن منظور، بی تا، ۲۲۵/۷) شهید کسی است که در راه خدا کشته می شود و یا مجاهدی است که در طریق حق جان می سپارد. «در قرآن کریم ماده شهد ۱۶۰ بار به صورت مشتقات مختلف ذکر شده که واژه شهید ۳۵ بار و جمع آن شهداء ۲۰ بار و مثنای آن شهیدین ۱ بار به کار رفته است.» (عبدالباقی، ۱۳۹۱: ۵۱۵-۵۱۶)

علاوه بر آیات قرآن، سخنان ائمه معصومین (ع) از جمله امام رضا (ع) درباره شهید و شهادت از غنای بالایی برخوردار است. امام رضا (ع) به هنگامی که دعبل خزاعی در محضرش قصیده ای را سرود و به این بیت رسید:



وَقَبْرِ بَغْدَادَ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَصَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْغُرَفَاتِ

«و قبری در بغداد است که از برای نفس طیب و طاهر امام موسی کاظم (ع) است که حق تعالی آن نفس طیب را در غرفه های بهشتی جای داده است.»

شاعر در این بیت از اسلوب استعاره مصرّحه استفاده کرده است و بی آن که نامی از محبوب بیاورد، آن را از طریق جریان وابستگی به ظهور می‌رساند. به کارگیری این استعاره نقشی به‌سزا در بیان معانی که شاعر سعی در انتقال آن‌ها دارد ایفا می‌نماید.

امام رضا (ع) فرمود: دو بیت دیگر هم من به قصیده ات می‌افزایم تا این قصیده کامل شود، آن‌گاه فرمودند:

وَقَبْرِ طُوسٍ يَالِهًا مِنْ مُصِيبَةٍ تَوَقَّدُ بِالْأَحْشَاءِ فِي الْحُرَفَاتِ

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفْرَجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

(ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۶۲۵/۲)

«و قبری در شهر طوس است، و امصیبتا از غم و اندوهش که آتش مصیبت فاجعه مرگش تا روز حشر در اعضا و رگ و ریشه بدن شعله می‌زند، تا هنگامی که خداوند قائمی را برانگیزد و بر ستم و ستمکاران پیروز شود و درد و رنج ما را تا حدی آرام بخشد.»

دعبل از امام پرسید: یابن رسول الله! این قبر در طوس از آن کیست؟ امام هشتم فرمود: «قبری، و لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَ اللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفَ شَيْعَتِي وَ زُؤَارِي.» (همان: ۶۲۵/۲). «آن قبر، قبر من است. روزها و شب‌ها سپری نخواهد شد تا آن که شهر طوس محلّ تردد شیعیان و زائران من بگردد»، بنابراین امام رضا (ع)، نماد پایداری و مقاومت و افتخار و الگو برای شیعیان محسوب می‌شود. امام (ع) در این ابیات از غموض و ابهام و ایجاز که از ویژگی های زیبایی‌شناسی است، استفاده نموده است. عبدالقاهر جرجانی بر این باور است که کلام در غموض، زیبایی و جمالی خاص می‌یابد، زیرا به طور طبیعی هر امری چون بعد از طلب و رنج حاصل شود، دست یافتن به آن شیرین‌تر و وقوعش در نفس والاتر و لطیف‌تر خواهد بود (جرجانی، ۱۳۹۷: ۱۶۶). منظور امام (ع) از قبری در شهر طوس، آرامگاه خودشان است که با چنین ابهام به صورت عمدی از جانب وی به جهت برانگیختن شنونده یا به شگفتی درآوردن او مطرح می‌گردد.

۲-۳: مقاومت و پایداری در پرتو مناظره‌ها و جلسات علمی

به دلیل فضای نامناسب حاکم بر جامعه در زمان حکومت عباسیان، امام رضا (ع) در قالب مناظره‌ها و جلسات علمی به مبارزه و مقاومت در برابر مأمون پرداخت و پیام خود را در میان شیعیان منتشر ساخت و از این طریق معارف ارزشمند شیعه را اشاعه دادند. «به حقیقت می‌توان گفت حرکت علمی امام رضا (ع) از نظر تأثیر در بقای اسلام و عقاید مسلمانان، شبیه حرکت و جهاد علمی امام حسین (ع) در عاشورا بود. در واقع پیکار و پایداری و مقاومت فکری و علمی امام رضا (ع) در برابر تهاجمات فرهنگی حکومت هارون و مأمون، نجات بخش اسلام بود.» (زارعی، ۱۳۹۰: ۹۵-۹۶) به همین جهت بود که هرگاه مأمون پیشنهاد مناظره با سران و پیشوایان مذاهب مختلف را مطرح می‌کرد، امام از شرکت در مناظره استقبال می‌نمود، و نه تنها آن را به عنوان فرصت؛ بلکه به مثابه جبهه‌ای مبارزاتی و پایداری در جهت تبلیغ و نشر اسلام تبدیل می‌کرد. به عنوان نمونه مأمون به سلیمان مروزی دستور داد تا با امام (ع) مناظره کند و به وی گفت: «هدف من چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی؛ چرا که می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی.» (پیشوایی، ۱۳۷۴: ۵۱۲)

امام رضا (ع) در این باره فرمود: «هنگامی که مأمون استدلال مرا با فرقه‌های مختلف به زبان هر یک بشنود، و ببیند که زبان همه آنان بند آمده و برهان آن‌ها دفع شده، و همگی ادعای خود را رها کرده، و به قول من رجوع کرده‌اند، در آن هنگام خواهد دانست شایسته نیست که در این راه گام بردارد، و در این زمان است که پشیمانی او را فرا می‌گیرد. «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۸: ۱/۱۵۴) بنابراین امام رضا (ع) از مناظره به عنوان یک اهرم مهم در دفاع از عقاید حق و ابطال آرا و نظریات باطل استفاده نمود.

درباره علم و دانشوری امام رضا (ع) علی بن ابی‌عبدالله خوافی سروده است:

يَا قَبْرَهُ أَنْتَ قَبْرٌ قَدْ تَصَمَّنَتْهُ
جَلْمٌ وَعِلْمٌ وَتَطْهِيرٌ وَتَقْدِيسٌ
فَخَرًّا فَإِنَّكَ مَعْبُوطٌ بِجَنَّتِهِ
وَبِالْمَلَأَيْكَةِ الْأَبْرَارِ مَحْرُوسٌ

(ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۱۵۱/۲)

«ای آرامگاهش، آن قبری که بردباری و دانشوری و پاکی و پاکیزگی را در بر دارد. پس فخر و مباحثات کن زیرا به سبب جسد او مورد رشک و حسدی، و به وسیله فرشتگان مقرب در حفظ و حراستی.»



شاعر در مصرع اول از ضمیر غایب به جای صیغه مخاطب استفاده نموده، این سبک در زبان عربی کاملاً رایج است، زیرا نوعی زیبایی و ظرافت در کلام پدید می‌آورد (معروف، ۱۳۸۰: ۱۲۷) از جلوه های ادبی زیبایی که در این ابیات به چشم می‌خورد، «پی آوری» است. پی آوری که نغمه و نوا و مایه و معنای سخن را خوش و دلپذیر می‌کند، «یعنی از پی هم آوردن چند اسم، صفت، فعل، عبارت یا جمله» (نوروزی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۵۷) شاعر در بیت اول چند صفت را پی در پی ذکر نموده است.

۲-۴: دعوت به جهاد و مقاومت و پایداری

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت مسلمانان دستور فرموده است که اگر دیگری به حقوق شما تجاوز کرد در این صورت متجاوز است، باید از حقوق خود دفاع نماید و در راه خدا با آنها بجنگید. توصیه اکید قرآن بر این است که مجاهدان در راه خدا در نزد او از قرب و برتری برخوردار هستند. «وَقَضَى اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/ ۹۵)، «خداوند جهادکنندگان را بر وانشستگیان به مزدی بزرگ برتری داده است.» هدف نهایی جنگ و جهاد و پایداری و مقاومت از دیدگاه اسلام، برقراری صلح است، بنابراین جهاد و پایداری به منظور مقابله با ظلم و ستمی می‌باشد که بر مسلمانان روا شده است. مقابله در برابر چنین ظلم و ستمی از دیدگاه قرآن، آمادگی تسلیحاتی و مقابله نظامی است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (أنفال/ ۶۰)، «و برای کارزار با آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته و زین کرده آماده سازید...»

امام رضا (ع) به عنوان انسانی پاک، آزادی و شرافت را در مرگ با عزت می‌بیند، و آن را بر حیات و زندگی همراه با پستی و خفت ترجیح می‌دهد. البته ایشان مانند امام حسین (ع) دست به قیام و جهاد در میدان جنگ نزد؛ اما در جبهه فرهنگی و علمی در برابر حاکمان جور عباسی مقاومت و پایداری نمود. اصل مقاومت و پایداری در برابر متجاوز در تعالیم رضوی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و حضرت در این باره تصریح می‌نمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ رَجُلًا يُدْخِلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يُقَاتِلُ.» (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۳۲۲/۲)، «خداوند متعال کسی را که در خانه اش مورد تجاوز قرار گیرد و به دفاع برخیزد دشمن می‌دارد.» سخن امام رضا (ع) با ادات تأکید همراه است و از سبکی قاطع و استوار برخوردار می‌باشد. در این حکمت رضوی، دفاع از خانه و بیت شامل وطن هم می‌شود. وطن، در دین اسلام و در همه ادیان آسمانی از احترامی ویژه برخوردار است و جنبه الهی و مفهومی مقدس دارد، به همین جهت یکی از نشانه های افراد با خرد و اهل ایمان میهن دوستی است. دفاع از خانه و

کاشانه و وطن تا آن‌جا اهمیت دارد که انسان بنا بر فرمودهٔ امام رضا (ع) در حفظ آن باید جان افشانی نماید. شایان یادآوری است که دعوت به جهاد و مبارزه همیشه با امر و دستور مستقیم همراه نیست. گاهی شاعر و نویسنده با توصیفی که از جامعه و شرایط سیاسی و اجتماعی آن ارایه می‌دهد، گویی فتوای مبارزه علیه دشمن را پنهانی صادر می‌کند. (مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱) امام رضا (ع) علاوه بر این سخنان صریح، در راستای حفظ تعالیم اسلام و سنت پیامبر (ص)، مقاومت و پایداری همه جانبه در برابر مأمون نمود که در نتیجه نه تنها مأمون به اهداف خود نرسید و موفق به مشروعیت بخشیدن به حکومت خود نشد؛ بلکه مسیر برای پیشبرد اهداف امام رضا (ع) هموار شد. یکی از شاعرانی که در پرتو گفتمان رضوی دربارهٔ مرگ و جهاد اشعاری زیبا سروده اشجع بن عمرو سلمی است:

حَقًّا بِأَنَّ الرَّضَا أَوْدَى الرَّمَانَ بِهِ مَا يَطْلُبُ الْمَوْتُ إِلَّا كُلَّ مَنْفُوسٍ

(اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۴۶)

«آری چنین است، زمانه امام رضا (ع) را از میان ما برد، و مرگ جز گرانمایه و نفیس را طلب نمی‌کند.»

شاعر در این بیت می‌گوید که امام رضا (ع) از گرانمایه‌ترین اشخاص بوده و مرگ هم دنبال اشخاص نفیس است. علاوه بر آن برای تأکید معنا از مفعول مطلق تأکیدی «حَقًّا» استفاده نموده است که تأکیدی بیش‌تر را افاده می‌کند.

و یا در بیت دیگر چنین سروده است:

وَلَوْ بَدَا الْمَوْتُ حَتَّى يَسْتَدِيرَ بِهِ لَأَقْسَى وَجُوهَ رِجَالٍ دُونَهُ شُوسٍ
«و اگر مرگ آشکار شود، و به گرد او درآید، چهرهٔ مردانی را خواهد دید که بی‌اعتنا و خشم‌آلود به او می‌نگرند.»

شاعر در این بیت تصریح می‌نماید که وجود نازنین امام (ع) آن‌قدر شریف و ارزشمند است که اگر مرگ به سراغ او بیاید مورد تنفر مردم قرار می‌گیرد.

و محمد بن حبیب ضبّی دربارهٔ جهاد سروده است:

يَا لَيْتَ شِعْرِي هَلْ بَقَائِكُمْ غَدًا يَغْدُو بِكَفِّي لَلْقِرَاعِ حَسَامٌ
تُطْفِي يَدَايَ بِهِ غَلِيلاً فِيكُمْ بَيْنَ الْحَسَالِمِ تَرَقُّ مِنْهُ أَوَامٌ

(ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۶۱۵/۲)

«ای کاش می دانستم آیا ممکن است فردا که قائم شما ظهور می کند در دست من برای کوبیدن دشمن - شمشیر بر آن باشد. دست های من با آن شمشیر سوزش درونی خود را برای شما که فرو نمی نشیند و آرام نمی گیرد، خاموش کند.»

شاعر در این ابیات آرزو می کند که در هنگام قیام مهدی (عج) با شمشیر به جهاد و مبارزه علیه دشمنان بپا خیزد و سوزش درونی خود را خاموش نماید. علاوه بر آن از «لیت» استفاده می کند که برای «تمنی» به کار می رود. «تمنی یعنی طلب حصول امر محال و یا امری که در آن سختی و دشواری است» (بدیع یعقوب، ۱۳۸۶: ۵۸۸) شاعر در ابیات یادشده، آکنده از احساسات سرزنده ای است که در آرزوهایش آن را جای می دهد.

۲-۵: انتظار منجی

یکی دیگر از مؤلفه های پایداری و مقاومت در گفتمان رضوی انتظار منجی و امید به پیروزی درخشان است. انتظار منجی، انگیزه مبارزه و پایداری و جهاد و حفظ ارزش ها را در مردم تقویت خواهد نمود. امید به آینده در تعالیم رضوی وابسته به تحقق ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود (ع) است که چون بهار به جمود فکری و جهان مادی، روح و لطافتی تازه و آن جهانی می بخشد. «بزرگترین خطری که هر جامعه را تهدید می کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می سازد، یأس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت است؛ اما نقطه مقابل این ناامیدی، انتظار و باور عمیق و قلبی به فرا رسیدن و ظهور موعود و سامان یافتن اوضاع پریشان بشر است.» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۷) امید به منجی، نقطه قوتی برای تحمل مصایب و سختی ها و تلاش برای پیروزی در راه هدف است. امید داشتن، یعنی هر لحظه آمادگی داشتن برای چیزی که توکد نیافته است. «امیدوار بودن حالت و کیفیتی از بودن است؛ زیرا بودن نوعی هستی است، شاید هم مطمئن ترین شکل آن» (فرانکل، ۱۳۷۱: ۱۲۱)

انتظار سازنده، روحیه ظلم ستیزی را تقویت می کند و انسان ها را و می دارد که برای اصلاح جامعه تلاش نمایند و انتظار عاملی اساسی در جنبش و پویایی بوده است. انتظار برای رسیدن به روزهایی بهتر. «اسلام که تعلیمات و هدایت هایش براساس فلسفه های عمیق، و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را پشتوانه بقای جامعه مسلمان، و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را

فاضل ترین اعمال بر شمرده است.» (صافی، ۱۳۶۵: ۵۲)، بنابراین آینده نگری و طرحی برای آینده داشتن برای جوامع و انسان ها ضرورتی انکار ناپذیر است. امام بزرگ حضرت رضا (ع) نیز با دادن امید به آمدن منجی و فرج در کار انسان ها، و برپایی عدالت جهانی و ظهور مصلح نهایی، بارقه های امید را در دل شیعیانش روشن نمودند و در این باره فرمودند: «... اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعِ، وَازْتُقْ بِهِ الْفُتْقِ، وَ اَمْتْ بِهِ الْجَوْرِ، وَ اَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ وَ الْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَ أَيَّدُهُ بِنَصْرِ عَزِيْزٍ، وَ فَتَحْ قَرِيْبٍ، وَ وَرِّثْهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ... وَ اَخِيْ بِهِ ... سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ اَحَدٍ مِنْ الْخَلْقِ ... وَ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِيَ مِنْ دِيْنِكَ ... حَتَّى تُبَيِّرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَ تُظْفِيءَ بِهِ نِيْرَانَ الْكُفْرِ، وَ تُظْهِرْ بِهِ مَعَايِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهَوْلَ الْعَدْلِ ...» (ابطحی، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۵)، «... پروردگارا شکستگی ها (و رخنه ها) را به دست او پیوسته دار و شکاف ها را به وسیله او به هم آر، و بیداد را به دست او بمیران و عدالت را با او آشکار ساز و با عمر طولانی او زمین را بیارای. خداوندا! او (منجی آخر الزمان) را قائم منتظر قرار ده، آن پیشوایی که به دست او (مظلومان را) یاری خواهی رساند و او را با یاری رسانی استوار، و پیروزی نزدیک مدد رسان، و شرق و غرب جهان را در اختیار او قرار ده، و راه روشن پیامبرت را به دست او زنده کن تا ذره ای از حق از بیم احدی از مردمان، پوشیده نماند ... و به آنچه از دینت محو شده دیگرباره زندگی بخش ... تا در پرتو عدالت او، تاریکی های بیداد روشن گردد، و زبانه های آتش کفر و بی دینی خاموش شود، و پایگاه های حق و عدالت ناشناخته، به دست (با کفایت) او آشکار گردد...» بنابراین موضوع امید به آمدن منجی به عنوان یکی از مؤلفه های پایداری در تعالیم رضوی به مثابه پایان بخش تمام سختی ها و بی عدالتی ها مورد توجه بوده است. از شاعرانی که در پرتو گفتمان رضوی درباره منجی شعر سروده اند، دعبل است:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالََةَ خَارِجٌ يُقَوْمُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبِرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِيْنَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ

(ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۳۹/۴)

«ظهور امامی که بی تردید ظهور خواهد نمود به نام خدا و برکات او قیام می کند، در میان ما حق و باطل را جدا می سازد و بر نعمت ها و ناهنجاری ها پاداش و کیفر درخور خواهد داد.»

شاعر در این ابیات ظهور امام مهدی (عج) را مطرح می کند و بیان می دارد که برای اصلاح زمین و زمان امام راستین از خاندان رسالت ظهور خواهد نمود و به دادگری در روی زمین و برقراری عدالت اقدام خواهد کرد. افزون بر آن در بیت دوم از آرایه «تضاد» استفاده نموده است. «تضاد، یعنی واژه هایی را که در معنا ناسازگار هستند و در جهان واقع با هم گرد نمی آیند، در سخن گرد کردن و با هم آوردن» (نوروزی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۵۳) که از محسنات معنوی است.

و از شاعران دیگر محمد بن حبيب ضبّی است که درباره قائم (عج) سروده است:

وَعَلَى خَلِيفَتِهِ الَّذِي لَكُمْ بِهِ	تَمَّ النَّظَامُ فَكَانَ فِيهِ تَمَامٌ
فَهُوَ الْمُؤْمَلُ أَنْ يَعُودَ بِهِ الْهُدَى	عَضًّا وَأَنْ تَسْتَوْسِقَ الْأَحْكَامُ
لَوْلَا الْأَيَّمَةُ وَاجِدٌ عَنْ وَاحِدٍ	دَرَسَ الْهُدَى وَ اشْتَسَلَمَ الْإِسْلَامُ
كُلُّ يَتَقَوْمٌ مَقَامٌ صَاحِبِهِ إِلَى	أَنْ يَنْبُرِيَ بِالْقَائِمِ الْأَعْلَامُ
يَا ابْنَ النَّبِيِّ وَ حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي	هِيَ لِلصَّلَاةِ وَ لِلصَّيَامِ قِيَامُ

(ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۶۱۴/۲)

«ویر جانشینان او، آن کسی که با او نظام کامل می شود و همه چیز تمام می گردد. او همان کسی است که مایه آرزو است تا رهنمونی و هدایت به وجودش شاداب و احکام استوار گردد. اگر این پیشوایان یکی پس از دیگری نبودند همانا هدایت و آیین اسلام کهنه می شد. هر یک بر مقام سالار پیش از خود قیام می کند تا هنگامی که روزگار به ظهور قائم پایان پذیرد. ای پسر پیامبر ای حجت پرورگار که مایه برپایی نماز و روزه است.»

شاعر در این ابیات بر اساس نویدهایی که داده شده، به ظهور امام دوازدهم اشاره می کند. او به احیای دین اسلام قیام و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود و آخرین حجت الهی که اصل امامت به وجود او تکمیل خواهد شد. شاعر در این ابیات از اسلوب بلاغی کنایه از موصوف جهت تأثیرگذاری بر مخاطب استفاده نموده است. شاخص این کنایه، تصریح به صفت و عدم اشاره به موصوف می باشد. در این ابیات به نام مبارک امام مهدی (عج) تصریح نشده است و تنها با ذکر صفت «قائم» و «ابن النبّی» جلال و شوکت امام (ع) را ثابت می کند.

۲-۶: مرگ و جانبازی

«مرگ و جانبازی از محور های اساسی در ادب پایداری است، زیرا مرگ درست مانند زندگی یک حقیقت عادی بشر است ولی این حقیقت، پرتگاهی نیست که قهرمان را به کام نابودی در صحنه پایداری بیفکند؛ بلکه راه پایداری را مقاوم تر می کند و با انتخاب آگاهانه مرگ است که شخص، اسوه حماسه سازی برای جویندگان این راه می گردد.» (مهدی زاده و تنگستانی، ۱۳۹۴: ۷۵) اندیشه مرگ و زندگی، یکی از مهم ترین دغدغه های تاریخ بشر بوده و هست. این که مرگ پایان زندگی است و یا آغاز زندگی دوباره، سؤالی است که ذهن انسان را همیشه به خود مشغول داشته و او را به اندیشه و تأمل وا داشته است. گروهی از مردم از آن هراس دارند، ولی گروهی دیگر به ویژه معتقدان به قیامت، نه تنها از مرگ نمی ترسند؛ بلکه به آن عشق نیز می ورزند. از نظر قرآن، مرگ دروازه انتقال از جهان ناپایدار به جهانی پایدار و از سعادت شکننده به سعادت جاودانه است. (محسنی، ۱۳۹۰: ۵۲) مرگ در تعالیم رضوی برگرفته از تعالیم ناب اسلامی و قرآن کریم است، آن جا که قرآن می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/۱۶۹)، «کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید، بلکه آنان زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.» هم چنین از دیدگاه عرفای اسلامی، مرگ مایه فنا و نیستی انسان نیست؛ بلکه انتقال از مرحله ای به مرحله دیگر است، به همین جهت، دنیا برای بندگان مخلص مانند زندان است. پیامبر (ص) در این باره می فرماید: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۰: ۳۳۴)، «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر و ناسپاس است.»

امام رضا (ع) هم در سخنان و گفتارهای خویش پیرو آموزه ها و معارف قرآنی و نبوی مرگ را پلی برای رسیدن به سعادت و حقیقت و برترین عبادت می داند. آن حضرت طی اقامت خویش در خراسان از این که می دید مأمون از وجود آن حضرت در جهت اغراض و مصالح حکومتی خویش بهره می گیرد، بسیار ناخشنود بوده است. آن حضرت درباره مرگ و اهمیت آن می فرماید: «همانا یاد مرگ، برترین عبادت است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۷/۷۵)

بنابراین امام رضا (ع) یکی از اسوه های مقاومت و پایداری است که تأثیری فراوان بر سیر صعودی جریان مقاومت و پایداری گذاشته و شعرا از ایشان تأثیر پذیرفته اند. یکی از شاعرانی که



در پرتو گفتار رضوی بن مایه های مقاومت و پایداری، یعنی مرگ و جانبازی در اشعارشان وجود دارد، اشجع بن عمرو سلمی است:

إِنَّ الْمَنَائِمَا أَنَا لَتَهُ مَخَالِبُهُا وَ دُونَهُ عَسْكَرٌ جَمُّ الْكَرَادِيسِ
أَوْفَى عَلَيْهِ الرَّدَى فِي خَيْسِ أَشْبَلِهِ وَ الْمُؤْتُ يَلْقَى أَبَا الْأَشْبَالِ فِي الْخَيْسِ

(اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۴۶)

«مرگ چنگال تیز خود را بر سر او فرود آورد و در کنارش لشکری عظیم قرار داشت. مرگ او را در میان شیران بیشه فرا گرفت و مرگ چنان است که شیر را در بیشه دیدار می کند (واهمه ای ندارد).»

شاعر در این بخش از سروده خود به مسأله مرگ به عنوان یک امر بدیهی اشاره می کند و بیان می دارد که امام رضا (ع) شیری شجاع است که در هنگام مبارزه با مأمون مرگ او را در می یابد. شاعر در این ابیات از اسلوب استعاره مکنیه در انتقال احساسات به مخاطب استفاده نموده است. در بیت اول مرگ را به حیوانی تشبیه نموده که دارای چنگال است. و مشبه به «السیع» را حذف و از طریق یکی از لوازم آن «مخالب» به مشبه به محذوف اشاره نموده است.

۲-۷: رنج تبعید و غربت

امام رضا (ع) در میان ائمه معصومین (ع) از جمله امامانی است که از وطن و موطن خود دور گشت و رنج تبعید و غربت را به جان خرید و البته این عمل یکی از مؤلفه های پایداری و مقاومت است چون از این راه با ظلم و ستم مأمون عباسی مقابله نمود و سیاست های پلیس او را افشا کرد. پس از آن که مأمون در درگیری امین موفق به کسب قدرت و فرمانروایی گردید، برای این که حکومت خویش را از خطری جدی، یعنی برخورد فیزیکی و مسلحانه که احتمال آن از سوی شخصیت بزرگ و با نفوذ امام هشتم (ع) می رفت، در امان نگاه دارد، نامه های پی در پی به امام رضا (ع) نوشت و او را از مدینه به خراسان فرا خواند، سفری اجباری که بیش تر به تبعید می نمود تا سفر! پس از آمدن، پیشنهاد پذیرش خلافت را به امام (ع) داد؛ اما امام در جوابش می فرماید: «إِنَّ كَانَتْ هَذِهِ الْخَلَافَةُ لَكَ وَ جَعَلَهَا اللَّهُ لَكَ فَلَا يَجُوزُ لَكَ أَنْ تَخْلَعَ لِبَاسًا أَلْبَسَكَ اللَّهُ وَ تَجْعَلَ لِعَيْرِكَ، وَ إِنْ كَانَتْ الْخَلَافَةُ لَيْسَتْ لَكَ، فَلَا يَجُوزُ لَكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مَا لَيْسَ لَكَ.» (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۴۷۰/۲)، «اگر این خلافت از آن تو است، پس تو حق نداری این جامه خدایی را از تن خود بیرون آوری و بر

قامت شخصی دیگر پوشانی، و اگر خلافت مال تو نیست، چگونه چیزی را که حق تو نیست به من می بخشی؟» امام رضا (ع) با این جواب، خلافت را نپذیرفت. مأمون پس از آن، ولایتعهدی را مطرح کرد و برای انجام این کار آن قدر بر امام (ع) سخت گرفت، از جمله تهدید به قتل در صورت نپذیرفتن این امر و در واقع به این وسیله ولایتعهدی را به امام (ع) تحمیل نمود. خود حضرت می فرماید: «قَدْ عَلِمَ اللَّهُ كَرَاهَتِي لِذَلِكَ، فَلَمَّا خُيِّرْتُ بَيْنَ قَبُولِ ذَلِكَ وَ بَيْنَ الْقَتْلِ اخْتَرْتُ الْقَبُولَ عَلَى الْقَتْلِ.» (همان: ۱۵۱/۱)، «خدا می داند من به این امر راضی نبودم. وقتی خودم را میان قبول ولایتعهدی و کشته شدن مخیر دیدم، آن را پذیرفتم.» امام (ع) ولایتعهدی را پذیرفت و نقشه شوم مأمون را برای رسیدن به اهداف خود نقش بر آب کرد. «چون با پذیرش ولایتعهدی و با نفوذ در ارکان حکومت و اتخاذ مواضع سنجیده علاوه بر نشر معارف اسلامی و دفع شبهات دینی، در سست کردن پایه های حکومت مأمون گام بر می داشت و این راه به طور قطع بهتر از راه قبلی بود.» (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۲۸) همان طور که امام (ع) از دعوت مأمون برای سفر اجباری به خراسان استقبال نمی کند، در پذیرش ولایتعهدی هم نقشه مأمون را با سخنان یاد شده خنثی نمود. ابوفراس حمدانی با توجه به گفتمان رضوی، حقیقت تلخ نمایش غم‌انگیز ولایتعهدی امام رضا (ع) را این گونه ترسیم می‌نماید:

بَاءُوا بِقَتْلِ الرَّضَا مِنْ بَعْدِ بَيْعَتِهِ وَ أَبْصَرُوا بُغْضَهُ مِنْ رُشْدِهِمْ وَ عَمُوا
عِصَابَةً شَقِيَّةً مِنْ بَعْدِ مَا سَعَدَتْ وَ مَعْشَرًا هَلَكُوا مِنْ بَعْدِ مَا سَلِمُوا

(حمدانی، ۲۰۰۳: ۱۳۳؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۷۶/۴)

«پس از بیعت با امام رضا (ع) به کشتن او اقدام کردند، و کینه و دشمنی او را مصلحت نامیدند و کوردل شدند. آن‌ها دسته‌ای هستند که بدبخت شدند پس از آن که نیک بختی یافتند، و گروهی می‌باشند که پس از آن که ایمنی یافتند، نابود شدند.»

ابوفراس حمدانی در این اشعار به مسأله ولایتعهدی امام رضا (ع) اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد گروهی شقاوت پیشه پس از بیعت با امام (ع) بر اساس مصلحت اندیشی با او دشمنی کردند و غربت و تبعید را بر ایشان تحمیل نمودند و این امر باعث نابودی آنان شد. شاعر در این ابیات با هنرمندی واژه‌هایی را که در معنا ناسازگار هستند و در جهان واقع با هم گرد نمی‌آیند، با هم

سازگار می‌نماید. در واژه‌های «شقیقت» و «سعادت» و واژه‌های «هلکوا» و «سلموا» آرایه تضاد وجود دارد که در بیداری مخاطب اثر گذار است.

«بنابراین امام رضا (ع) از ترس حفظ جان، تسلیم خواسته مأمون در سفر اجباری به خراسان و پذیرش ولایتعهدی نشد؛ بلکه می‌دانست با کشته شدنش، نابسامانی‌هایی به وجود می‌آید، از جمله جنبش الهی و انقلابی با خسارتی جبران ناپذیر رو برو خواهد شد و آشوب و آشفتگی تمام پایگاه‌های مردمی امام رضا (ع) را فرا خواهد گرفت و سرآغازی برای کشتار گستردهٔ خاندان و یاران آن حضرت می‌گردید و در پی خود، قیام‌های مسلحانه‌ای که بی تأمل و روال منطقی بروز می‌کرد و قیام امت را به جنبش خون‌خواهانهٔ عاطفی و فاقد هر نظم و نسقی تبدیل می‌کرد و تنها نتیجه‌ای که به دست می‌داد فروپاشی توان نظامی بود و هیچ تغییر و تأثیری در رویدادها نداشت.» (حکیم و حسینی، ۱۳۸۵: ۱۷۸/۱۰). تأثیر این گفتمان رضوی در شعر شاعران شیعی از جمله دعبل مشاهده می‌شود که از روزگار می‌خواهد تا پس از این همه ستم و رنج و حق‌کشی و مظلومیت، دیگر نیش به خنده باز نکند:

لَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحِكْتُ يَوْمًا وَ آلَ أَحْمَدَ مَظْلُومُونَ قَدْ فُهِرُوا
مُشَرَّدُونَ نَفُوسًا عَنْ عَقْرِ دَارِهِمْ كَأَنَّهُمْ قَدْ جَنَوْا مَا لَيْسَ يُغْتَمَرُ

(ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۶۲۸/۲)

«روزگار اگر بخواید نیش به خنده باز کند خدا نیشش را نگشاید که آل محمد (ص) همگی قربانی ستم‌های تاریخ شدند و از میان رفتند. همگی از خانه‌هایشان آواره و در به در شدند، گویی به جرمی دست زده‌اند که هرگز بخشوده نیاید.»

شاعر در بیت اول از اسلوب بیانی استعارهٔ مکنیه در انتقال احساسات بهره برده است. در استعارهٔ مکنیه، مشبه به حذف و با یکی از لوازم، به آن اشاره می‌شود. (زاهدی، بی‌تا: ۲۶۱) شاعر به علت همدردی با مصایبی که برای ائمه (ع) پیش آمده بسان مؤمنی از هنر خویش استفاده نموده تا رنج و اندوه خاندان آل احمد (ع) را به تصویر بکشد. دهر را به انسان تشبیه نموده سپس مشبه به «انسان» را حذف و به یکی از لوازم آن «ضحکت» اشاره کرده و تصویری زیبا آفریده است.

با یک نگاه کلی به مواضع امام رضا (ع) روشن خواهد شد که امام (ع) این دورهٔ تاریخی را به یک فرصت طلایی تبدیل کرد و در نهایت تدبیر و اندیشه سیاسی مسیر را برای پیشبرد اهداف خود

هموار نمود و از این رهگذر دستاوردهایی فراوان فراهم آمد، از جمله: ۱- اعتراف مأمون به حَقانیت اهل بیت (ع)؛ ۲- به کارگیری ابزار تبلیغاتی به نفع امام رضا (ع)؛ ۳- مناظره آزادانه حضرت با پیروان دیگر ادیان؛ ۴- نشر آموزه ها و فضایل اهل بیت (ع)؛ ۵- حفظ جان اهل بیت (ع). «همان، ۱۸۹-۱۹۹)، بنابراین عنصر مبارزه با ظلم و ستم و مخالفت با حاکمان ستمگر، یک حقیقت پایدار در سیره معصومان (ع) بوده است، گر چه شیوه ها و روش های مبارزه و پایداری در هر عصری از دوره امامان (ع) تفاوت داشته و هر کدام مناسب با زمان و مکانی که داشتند سیاستی ویژه را در مبارزه و مقاومت با حاکمان غاصب دنبال می کردند. امام هشتم (ع) نیز تاکتیک و روشی مخصوص را مناسب با اوضاع سیاسی حاکم بر آن زمان برگزید و مبارزه و مقاومت و پایداری در مقابل حاکمیت هارون و مأمون را دنبال نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

پس از بررسی جلوه های ادبیات مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با رویکرد به گفتمان رضوی نتایج و رهیافت های ذیل حاصل شد:

۱- دعوت به جهاد و پایداری و مقاومت و مقابله با بیدادگری، جایگاهی خاص در تعالیم و حکمت رضوی دارد؛

۲- سرچشمه و خاستگاه ادبیات پایداری و مقاومت که بن مایه های آن در اشعار شاعران شیعی نمود یافته است، ریشه در گفتمان رضوی دارد و ماندگاری این گونه ادبی مرهون مضامین بلند و اصیل انسانی امام رضا (ع) است؛

۳- امام رضا (ع) به عنوان نمونه الگوی ماندگار در دفاع از اعتقادات، و تبلیغ ارزش های مکتبی و مبارزه و پایداری در مقابل نقشه های مأمون است که شاعران شیعی در اشعار خود به خوبی آن را ترسیم نموده اند؛

۴- حضرت، آیینه تمام نمای پایداری و مقاومت قهرمانانه شیعه در برابر ظلم و ستم هارون و مأمون عباسی است و شاعران شیعی بن مایه های ادبیات پایداری را از گفتمان رضوی دریافت نموده اند؛

۵- امام هشتم (ع) پایداری و مقاومت در برابر حاکمان ستمگر عباسی را در سخنان فخیم خود به عنوان آزموده های پایداری برای شاعران شیعی به تصویر کشیده اند؛

۶- مهم ترین بن مایه ها و مؤلفه های ادبیات پایداری که در شعر شاعران شیعی با توجه به گفتمان رضوی مورد تحلیل قرار گرفته اند، عبارتند از: هجرت، شهادت طلبی، مقاومت و پایداری در پرتو مناظرات علمی، دعوت به جهاد و مقاومت و پایداری، انتظار منجی، مرگ و جانبازی، رنج تبعید و غربت؛

۷- ادب مقاومت و پایداری تجلی ستیز با بدی و بیداد و ظلم و فساد، با سلاح کلمه و عمل خردمندانه است که در سیره امام رضا (ع) و شعر شاعران شیعی مشهود است.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

- ۲- ابطحی، محمد باقر (۱۳۹۰)، *الصحیفة الرضویة الجامعة*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه امام مهدی (ع).
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، ترجمه آقا نجفی اصفهانی، چاپ دوم، تهران: پیام علمدار.
- ۴- ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد (بی تا)، *مناقب آل ابی طالب*، با تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه.
- ۵- ابن منظور، جمال الدین بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، تصحیح امین محمد عبد الوهاب، محمد صادق العبیدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۶- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین (۱۳۸۹)، *مقاتل الطالبیین*، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- امینی، محمد علی (۱۳۸۳)، *نگاهی به زندگانی و ولایتعهدی امام رضا (ع)*، چاپ اول، مشهد: به نشر.
- ۸- باوان پوری، مسعود (۱۳۹۱)، *بررسی جلوه های ادبیات پایداری در شعر صالح محمود هواری*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کردستان.
- ۹- بدیع یعقوب، امیل (۱۳۸۶)، *موسوعة النحو و الصرف و الاعراب*، چاپ پنجم، تهران: استقلال.
- ۱۰- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰)، *ترجمه نهج الفصاحه*، چاپ شانزدهم، تهران: جاویدان.
- ۱۱- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۴)، *سیره پیشوایان*، چاپ دوم، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع).
- ۱۲- جباری گیلانده، لیلا (۱۳۹۰)، *بازتاب مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی سمای*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت معلّم آذربایجان.
- ۱۳- جرجانی، عبدآقاهر (۱۳۹۷)، *اسرار البلاغة فی علم البیان*، تحقیق محمد عبدالعزیز نجار، قاهرة: مكتبة محمد علی صبیح.
- ۱۴- حسام پور، سعید و احمد حاجی (۱۳۸۷)، *سهم ادبیات پایداری در کتاب های درسی، اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان، ۱۹-۲۰ اسفند.*

- ۱۵- حکیم، منذر و سید شهاب الدین حسینی (۱۳۸۵)، *پیشوایان هدایت (ثامن الائمه حضرت امام رضا (ع))*، ترجمه حسین اسلامی اردکانی، چاپ اول، قم: مجمع جهانی اهل البيت (ع).
- ۱۶- حمدانی، ابوفراس (۲۰۰۳)، *دیوان شعر*، به تصحیح علی بو ملحم، بیروت: دارو مکتبه هلال.
- ۱۷- زارعی، عباسعلی (۱۳۹۰)، *سیره علمی و عملی امام رضا (ع)*، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۸- زاهدی، زین الدین (بی تا)، *روش گفتار*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۱۹- شیخ، غرید (۱۹۹۴)، *فدوی طوقان شعر و التزام*، الطبعة الاولى، بیروت: دار الکتب العلمیة للنشر و التوزیع
- ۲۰- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۵)، *انتظار عامل مقاومت و حرکت*، تهران: بنیاد بعثت.
- ۲۱- صالحی، محمد (۱۳۸۴)، *سیره امام رضا (ع)*، چاپ اول، قم: انتشارات دار الهدی.
- ۲۲- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۹۱)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ دهم، قم: اوج علم.
- ۲۳- فرانکل، ویکتور (۱۳۷۱)؛ *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه مهین میلانی و نهضت صالحیان: تهران: نشر مترجم.
- ۲۴- قادری، فاطمه (۱۳۸۹)، «جلوه های مقاومت در آثار محمد الماغوط»، *نشریه ادبیات پایداری*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۲، شماره های ۳ و ۴، صص ۴۲۹-۴۵۳.
- ۲۵- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰)، *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*، چاپ اول، تهران: پاییزان.
- ۲۶- کنفانی، غسان (۱۳۶۱)، *ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی*، چاپ اول، ترجمه موسی اسوار، تهران: سروش.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار الوفاء.
- ۲۸- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸)، *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲۹- محسنی، علی اکبر و طیبه امیریان (۱۳۹۰)، «بررسی اندیشه مرگ و زندگی در شعر محمود درویش»، *فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی*، ج ۱، شماره ۱، صص ۴۵-۷۴.

- ۳۰- مردانی، نصر الله (۱۳۷۶)، *منظومه شهادت*، چاپ اول، تهران: بنیاد انقلاب اسلامی، مرکز نشر شاهد.
- ۳۱- معروف، یحیی (۱۳۸۰)، *فن ترجمه*، چاپ اول، تهران: سمت
- ۳۲- مهدی زاده، محمود آبدانان و معصومه تنگستانی (۱۳۹۴)، *درون مایه های مقاومت در شعر علی احمد باکثیر*، همایش ملی ادب مقاومت و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ۱۵ بهمن.
- ۳۳- نوروزی کرمانشاهی، محمد جواد (۱۳۸۸)، *نهج الاعجاز*، قم: نشر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی